

آیت الله محمد حسین برازجانی



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

| | |
|-------------|-------------------------|
| نام پدر | نجفقلی |
| تاریخ تولد | ۱۲۴۹ شمسی |
| محل تولد | — |
| تاریخ شهادت | ۱۳۱۹ شمسی |
| محل شهادت | رحلت در نهران |
| مسئولیت | |
| نوع عضویت | |
| شغل | |
| تحصیلات | |
| مدفن | امام زاده عبدالله تهران |

زندگینامه

شیخ محمدحسین، روحانی مبارز (۱۲۴۹-۱۳۱۹ ش) و متحد رئیس علی دلواری * تنگستانی در نبرد با انگلیسها. از ۱۲۱۶ تعدادی از روحانیون شیعه بحرین، به ایران مهاجرت کردند و در مناطق جنوب ایران ساکن شدند. شیخ محمد حسین که در برازجان به دنیا آمده بود، فرزند نجف علی، و از اعقاب شیخ یوسف، از روحانیان مهاجر و از مشایخ قریه ماحوز بحرین بود (نبوی، ص ۲۵۷-۲۵۶).

برازجانی در نجف تحصیل کرد. میزان تحصیلات او جز به تقریب و گمان معلوم نیست (همان، ص ۲۵۸). او پس از علم آموزی به برازجان بازگشت و به وظایف شرعی پرداخت (همانجا). وی به سبب مقام روحانیش، میان مردم دشتی و دشتستان و برازجان، محترم بود (رکن زاده آدمیت، ص ۱۴، پانویس). با شروع جنگ جهانی اول و درگیریهای منطقه جنوب، اهمیت این روحانی و نقش او در مبارزه با انگلیسها در منطقه آشکارتر شد.

تحریک عشایر جنوب برضد انگلیسها که واسموس، جاسوس آلمانی، عامل آن بود (مابرلی، ص ۱۰۹؛ بیات، ص ۱۳۵)، حمایت والی فارس از واسموس (رکن زاده آدمیت، ص ۳۶-۴۲) و قطع خطوط تلگراف جاسک و چاه بهار (مابرلی، ص ۱۰۱) و نیز طرفداری افسران ژاندارمری از آلمانها، انگلیس را به اعتراض به دولت ایران واداشت (سفیری، ص ۴۸) و سرانجام در فرصتی مناسب، در مرداد ۱۲۹۴/اوت ۱۹۱۵، قوای انگلیس بوشهر را اشغال کرد (همان، ص ۵۳).

پس از اشغال بوشهر، احساسات ضد انگلیسی مردم شدت بیشتری یافت و عشایر جنوب به رهبری رئیس علی دلواری به نبردهای تعرضی با نیروهای انگلیس پرداختند (همان، ص ۵۳-۵۴). در همین زمان، آیت الله محمد تقی شیرازی در نجف برضد متفقین اعلام جهاد کرد (سپهر، ص ۷۰) و برازجانی بر همین اساس، به یاری رئیس علی دلواری شتافت.

دامنه این قیام تا شیراز گسترش یافت و برازجان به دلیل موقعیت خاص سوق الجیشی - یعنی قرار گرفتن میان شیراز و بوشهر - مرکز تجمع آزادیخواهان (فراشبندی، ص ۱۰۱) و مأمین نیروهای درگیر در جنگ جنوب شد (رکن زاده آدمیت، ص ۴۶، پانویس). علی کازرونی، غضنفر السلطنه (ضابط برازجان)، اخگر (دکتر ژاندارمری)، و برازجانی برای کمک به نبرد جنوب، در برازجان شورایی تشکیل دادند (همان، ص ۸۲) که در آن پس از خواندن نامه های مجاهدان و مخالفان، رهنمودهای لازم را می دادند و از خانهای منطقه می خواستند تا رئیس علی را در جنگ یاری دهند (همان، ص ۸۳-۸۲).

نخستین کسی که به در خواست آنها پاسخ مثبت داد، شیخ حسین چاه کوتاهی بود (همان، ص ۸۳). در پی کوششهای برازجانی برای کمک به نهضت جنوب و به دلیل اهمیت او در منطقه، کاکس، وابسته نظامی انگلیس در بوشهر، طی نامه ای از او باز خواست کرد، اما شیخ با استناد به فتوای علمای نجف، به کاکس پاسخ داد (رکن زاده آدمیت، ص ۸۸-۸۴؛ هدایت، ص ۲۷۳-۲۷۴) و رئیس علی نیز در تأیید آن، نامه ای مفصل و ستایش آمیز برایش فرستاد (رکن زاده آدمیت، ص ۱۲۱، پانویس).

در اثنای جنگ جنوب، رئیس علی دلواری کشته شد، و برازجانی در نامه تسلیتی که به شیراز فرستاد، از آیت الله میرزا ابراهیم، برای فرزند رئیس علی تقاضای سمت افتخاری کرد و میرزا ابراهیم به لقب بهادرالسلطان داد (اخگر، ص ۱۵۷-۱۵۸). مبارزه جنوب همچنان ادامه یافت تا آنکه انگلیسها در ۱۳۳۵/۱۹۱۷ بر برازجان مسلط شدند (آدمیت، ص ۴۶، پانویس) پس از پایان جنگ، برازجانی به زادگاه خود بازگشت (بامداد، ص ۶، ص ۲۳۱) و غضنفرالسلطنه، خان برازجان، نیز که در کوههای اطراف برازجان به سر می برد، با گرفتن تأمین به آن شهر رفت (رکن زاده آدمیت، ص ۴۵، ۴۶، پانویس).

اما به خاطر حکومت مرکزی میان آن دو اختلافاتی بروز کرد؛ (فراشبندی، ص ۹۴). در ۱۳۰۷ ش که عضنفرالسلطنه به بوشهر احضار و بازداشت شد، اقوام عضنفرالسلطنه برازجانی را عامل بازداشت می دانستند، و پس از بازگشت او به عنوان حاکم برازجان، به خانه برازجانی حمله کردند تا او را به قتل برسانند. در این حمله، شیخ جان سالم به در برد، اما خانه اش غارت شد (همان، ص ۹۷-۹۵). در ۱۳۰۸ ش عضنفرالسلطنه، بر حکومت مرکزی طغیان کرد (رکن زاده آدمیت، ص ۴۶، پانویس) و از پرداخت مالیات بیشتر به دولت سرباز زد (فراشبندی، ص ۱۰۹). برازجانی در این حرکت با او همراهی نکرد تا آنکه قوای دولتی، عضنفرالسلطنه را به قتل رساندند (رکن زاده آدمیت، ص ۴۶، پانویس).

برازجانی اواخر عمر خود را در تهران به سر برد و در هفتاد سالگی درگذشت و در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد (نبوی، ص ۲۵۸)

منابع:

- (۱) احمد اخگر، زندگی من در طول هفتاد سال تاریخ معاصر ایران، ج ۱، تهران ۱۳۶۶ ش؛
- (۲) مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران ۱۳۵۷ ش؛
- (۳) گاوہ بیات، ویرایشگر، ایران و جنگ جهانی اول، تهرانی ۱۳۶۹ ش؛
- (۴) محمد حسین رکن زاده آدمیت، فارس و جنگ بین الملل، ج ۱، تهران ۱۳۱۲ ش؛
- (۵) احمد علی سپهر، ایران در جنگ بزرگ: ۱۹۱۴-۱۹۱۸، تهران ۱۳۳۶ ش؛
- (۶) فلوریدا سفیری، پلیس جنوب ایران: اس. پی. آر.، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصور جعفری فشارکی (رفیعی)، تهران ۱۳۶۴ ش؛
- (۷) علیمراد فراشبندی، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، تهران ۱۳۶۵ ش؛
- (۸) جیمز فردریک مابری، عملیات در ایران: جنگ اول ۱۹۱۴-۱۹۱۸، ترجمه گاوہ بیات، تهران ۱۳۶۹ ش؛
- (۹) محمد حسن نبوی، «نقش روحانیون در قیام ضد استعماری مردم جنوب ایران» در مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت هشتادمین سال شهادت رئیس علی دلواری، بوشهر ۱۳۷۳ ش؛
- (۱۰) مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهرانی ۱۳۶۳ ش.

دانشنامه جهان اسلام جلد ۲



سامانہ جامع سرداران و دھڑ شمیم استان بوٹھر